

تاریخچه شب یلدا

شب یلدا یا شب چله بلندترین شب سال در نیمکره شمالی زمین است. این شب به زمان بین غروب آفتاب از ۳۰ آذر (آخرین روز پاییز) تا طلوع آفتاب در اول ماه دی (نخستین روز زمستان) اطلاق می‌شود.



شب یلدا یا شب چله بلندترین شب سال در نیمکره شمالی زمین است. این شب به زمان بین غروب آفتاب از ۳۰ آذر (آخرین روز پاییز) تا طلوع آفتاب در اول ماه دی (نخستین روز زمستان) اطلاق می‌شود.

ایرانیان و بسیاری از دیگر اقوام شب یلدا را جشن می‌گیرند. این شب در نیمکره شمالی با انقلاب زمستانی مصادف است و به همین دلیل از آن زمان به بعد طول روز بیش‌تر و طول شب کوتاه‌تر می‌شود. مراسم شب یلدا (شب چله) از طریق [ایران](#) به قلمرو رومیان راه یافت و جشن «ساتورن» خوانده می‌شد.

واژه «یلدا» به معنای «زایش زادروز» و تولد است. ایرانیان باستان با این باور که فردای شب یلدا با دمیدن خورشید، روزها بلندتر می‌شوند و تابش نور ایزدی افزونی می‌یابد، آخر پاییز و اول زمستان را شب زایش مهر یا زایش خورشید می‌خواندند و برای آن جشن بزرگی برپا می‌کردند و از این رو به دهمین ماه سال دی (دی در دین زرتشتی به معنی دادار و آفریننده) می‌گفتند که ماه تولد خورشید بود.

یلدا و جشن‌هایی که در این شب برگزار می‌شود، یک سنت باستانی است. مردم روزگاران دور و گذشته، که کشاورزی، بنیان زندگی آنان را تشکیل می‌داد و در طول سال با سپری شدن فصل‌ها و تضادهای طبیعی خوی داشتند، بر اثر تجربه و گذشت زمان توانستند کارها و فعالیت‌های خود را با گردش خورشید و تغییر فصول و بلندی و کوتاهی روز و شب و جهت و حرکت و قرار ستارگان تنظیم کنند.

آنان ملاحظه می‌کردند که در بعضی ایام و فصول روزها بسیار بلند می‌شود و در نتیجه در آن روزها، از روشنی و نور خورشید بیشتر می‌توانستند استفاده کنند. این اعتقاد پدید آمد که نور و روشنایی و تابش خورشید نماد نیک و موافق بوده و با تاریکی و ظلمت شب در نبرد و کشمکش‌اند.

مردم دوران باستان و از جمله اقوام آریایی، از هند و ایرانی - هند و اروپایی، دریافتند که کوتاه‌ترین روزها، آخرین روز پاییز و شب اول زمستان است و بلافاصله پس از آن روزها به تدریج بلندتر و شب‌ها کوتاه‌تر می‌شوند، از همین رو آنرا شب زایش خورشید نامیده و آنرا آغاز سال قرار دادند.

بدین‌سان در دوران کهن فرهنگ اوستایی، سال با فصل سرد شروع می‌شد و در اوستا، واژه Sareda, Saredha «سَرَد» یا «سَرَد» که مفهوم «سال» را افاده می‌کند، خود به معنای «سرد» است و این به معنی بشارت پیروزی اورمزد بر اهریمن و روشنی بر تاریکی است.

در آثارالباقیه ابوریحان بیرونی، ص ۲۵۵، از روز اول دی ماه، با عنوان «خور» نیز یاد شده‌است و در قانون مسعودی نسخه موزه بریتانیا در لندن، «خَره روز» ثبت شده، اگرچه در برخی منابع دیگر «خرم روز» نامیده شده است. در برهان قاطع ذیل واژه «یلدا» حنب، آمده است:

«یلدا شب اول زمستان و شب آخر پاییز است که اول جدی و آخر قوس باشد و آن درازترین شب‌هاست در تمام سال و در آن شب و یا نزدیک به آن شب، آفتاب به برج جدی تحویل می‌کند و گویند آن شب به غایت شوم و نامبارک می‌باشد و بعضی گفته‌اند شب یلدا یازدهم جدی است».

سفره شب یلدا، «میَزَد» Myazd نام داشت و شامل میوه‌های تر و خشک، نیز آجیل یا به اصطلاح زرتشتیان، «لُرک» Lork که از لوازم این جشن و ولیمه بود، به افتخار و ویژگی «اورمزد» و «مهر» یا خورشید برگزار می‌شد. روز پس از شب یلدا (یکم دی ماه) را خورروز (روز خورشید) و دی گان؛ می‌خواندند و به استراحت می‌پرداختند و تعطیل عمومی بود.

فردوسی به استناد منابع خود، یلدا و خور روز، را به هوشنگ از شاهان پیشدادی ایران (کیانیان که از سیستان پارس برخاسته بودند) نسبت داده و در این زمینه از جمله گفته است:

که ما را ز دین بهی ننگ نیست به گیتی، به از دین هوشنگ نیست
همه راه داد است و آیین مهر نظر کردن اندر شمار سپهر
شب چله:

چهل روز از زمستان که آغاز آن برابر است با اول جدی و هفتم دی ماه جلالی و بیست و دوم دسامبر فرنگی، و پایانش برابر است با شانزدهم بهمن ماه جلالی و سی ام ژانویه فرنگی که به آن چله بزرگ زمستان گویند.

در ایران مرکزی چله بزرگ زمستان از آغاز زمستان که برابر است با آغاز دی ماه شروع می شود و مدت آن چهل روز است. و چله کوچک زمستان از شب دهم بهمن ماه تا پایان بهمن ماه که مدت آن بیست روز است.

چله بزرگ:

چهل روز از موسم زمستان که آغاز آن مطابق اول جدی و هفتم دی ماه جلالی و بیست و دوم دسامبر فرانسوی و پایانش شانزدهم بهمن ماه جلالی و سی ام ژانویه فرانسوی است.

چله کوچک:

بیست روز از فصل زمستان که آغاز آن از هفدهم بهمن ماه جلالی شروع می شود و در پنجم اسفند ماه پایان می یابد. چله زمستان همان چله بزرگ است و گاه در تداول عامه کنایه از سرمای سخت باشد: چله زمستون.